

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هفدهم
شماره ۲۰۳ بهمن ماه ۱۳۹۵ - فوریه ۲۰۱۷

دوستان "تروریستهای خوب" در سوریه چه کسانی هستند

فاجعه‌ایکه امپریالیستهای غرب در سوریه پدید آورده‌اند، یک اقدام ضد انسانی، جنایتکارانه و ضد همه موازین به رسمیت شناخته شده جهانی است. آزادی حلب، آزادی انسانیت و بر ضد توحش امپریالیستی است و همه نیروهای ضد انقلابی جهان و منطقه را نارام و عصبی کرده است. تروریستهایی که سالها با برنامه در اروپا زیر چتر سازمانهای امنیتی و سلفیستها پرورش داده شده بودند، بعد از شکستشان در سوریه، حالا به سرزمینهای حامی خویش بازمی‌گردند و همان بلائی را به سر مردم اروپا می‌آورند که به مدت ۵ سال در سوریه بر سر مردم سوریه با حمایت کشورهای پیمان تجاوزکار ناتو درآوردند. واقعیت پیروزی مبارزه مردم سوریه که در اکثریت خویش در سوریه ماندند و جنگیدند تا تجاوزگران را بیرون کردند، زیر بار خرواری از دروغ رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی "حامی آزادی بیان" و "مخالفت با سانسور" غرق شده بود. رسانه‌های گروهی غرب ۶ سال به مردم این کشورها دروغ تحویل دادند و تازه-ترینش اختراع شهردار مضحک بخش جنوبی حلب است که اساساً چنین شهرداری وجود خارجی ندارد، ولی این رسانه‌های مزور که خود را "مدافع آزادی بیان" جا زدند و می‌زنند، ابائی ندارند از اینکه چشم در چشم شما بدوزند و دروغپردازی کنند. ریاکاری و دروغگوئی در ماهیت امپریالیسم و ارتجاع است. نیروهائی که در جانب داعش و حامیان ... ادامه در صفحه ۲

انقلاب اکتبر بلشویک‌ها و حزب لنینی

در آستانه صد سالگی برگزاری جشن انقلاب کبیر اکتبر در روسیه تزاری و انقلاب سوسیالیستی و گذار روسیه به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کوشش داریم در تجلیل از این بزرگداشت تاریخی و نقش عوامل و عناصر متشکله و رشد دهنده آن در چندین مقاله یادبودی کوتاه برای خوانندگان «توفان» عرضه داریم. قصد ما در عین حال آن است که، تا آنچه که توان ما یاری می‌دهد، برخی اتهامات و ناروشنی‌هایی را که منحرفین جنبش کمونیستی - به ویژه پس از کودتای خروشچف - و حتی گاه با استناد به نظرات اپورتونیست‌های قبل از انقلاب بر این انقلاب کبیر و رهبران آن، لنین و استالین، روا می‌دارند، افشا کنیم.

در آغاز سال‌های ۶۰ میلادی (۴۰ شمسی) بازار توهین و اتهام به سوسیالیسم، به مبارزه طبقاتی و در رأس آن استالین (یعنی اوج دفاع از همزیستی مسالمت آمیز، گذار مسالمت آمیز، مسابقه مسالمت آمیز) رواج فراوان داشت و گرمی این بازار بر عده بیشماری از کمونیست‌های ایرانی که از حزب توده بریده بودند و در سازمان‌ها و گروه‌های گوناگون فعالیت می‌کردند، حرارت‌بخش بود؛ آنچنان که بساط بی‌رونق و سرد آنان را گهگاهی گرمی می‌بخشید. اپورتونیست‌ها همواره در اتهام و ایجاد ابهام در مورد انقلابیون و روال انقلاب هستند که قادرند چیزی عرضه کنند تا با فریب دیگران و علاقمندان به کمونیسم و انقلاب، رونقی به کار خویش دهند.

یکی از این اتهامات رایج آن بود که گویا استالین یا اساساً متافیزیکی فکر می‌کرده است و یا چنانچه اوائل قدرت خویش قادر بوده است که دیالکتیک را به کار برد، پس از سال‌ها برای ادامه قدرت خود صلاح دیده است که سلاح دیالکتیک را در قفسه گنج خویشتن پنهان کند و برای سرکوب مردم به متافیزیک روی آورد. (نگاهی به اندازیم به نشریات حزب کمونیست (مائونیست) ایران - سربداران - و همچنین نوشته شارل بتلهایم Charles Bettelheim تحت عنوان «چین بعد از مائو»، ترجمه عباس میلانی)

ما در آینده این اتهام را در موارد مختلف دیگر بررسی کرده، کوشش می‌کنیم که نادرستی آنرا روشن سازیم. لیکن نوشته کنونی ما خود را در چهارچوب انقلاب اکتبر و نقش بلشویک‌ها و بویژه حزب کبیر لنینی آنان و تهمتی که در این مورد به آن وارد می‌شود، محصور می‌داند، و به آن می‌پردازد:

می‌گویند: استالین در نطق مشهور خود در دومین کنگره شوراهای کل اتحاد شوروی (۲۶ ژانویه ۱۹۲۴) که به مناسبت مرگ اولیانف ایلیچ - لنین - ایراد کرده دچار ایدالیسم، خودمرکزبینی و برخوردی غیر علمی (متافیزیکی) گردیده است. چرا؟ او (یعنی استالین) می‌گوید: «... رفقا! ما کمونیست‌ها مردمی از سرشت ویژه‌ایم. ما از مصالح خاص بُرش یافته‌ایم...» (تکیه از توفان)، در حالی که به عقیده منتقدین هیچ انسانی از سرشت ویژه نیست و هیچ کسی از مصالح خاص بُرش نیافته است. همه ما در جامعه دارای جایگاه خاص و طبقاتی خود هستیم و تو گوئی سواى این جایگاه هیچ‌گونه حرکتی از ما بروز نمی‌کند. این اتهام، تئوری ساخته و پرداخته رویزیونیست‌های خروشچفی بود و برای مصرف جهانی صادر گشت. اما از آن جا که برخی (و شاید بسیاری) از وفاداران به مارکسیسم-لنینیسم و انقلاب را نیز دچار تردید (و حتی تکرار ناآگاهانه این تئوری‌ها) نمود و اگر چه پس از صبر و حوصله و توضیح عدم صحت این تئوری‌ها اکثر این رفقا آن را رد کردند، معه‌ذا ما کوشش داریم که در اینجا نیز بدون اسائه ادب به همه آنانی که هنوز بر این تئوری نادرست پافشاری‌ها دارند، با متانت و رفقانه چندین نکته روشن‌کننده را با آرزوی سازندگی، توضیح دهیم:

۱- متأسفانه ترجمه فارسی «ما کمونیست‌ها مردمی از سرشت ویژه‌ایم» آنچنان نادرست است که امکان سوءتفاهم را برای کسی که یا استالین را نمی‌شناسد و یا می‌شناسد و قصد حمله به او را دارد و یا حتی ناشیانه عبارت «سرشت ویژه» را که می‌تواند مفهوم ایدالیستی به دست دهد، از متن اصلی سخنرانی رفیق استالین و آنچه او بیان کرده است، خارج کرده و کل مجموعه سخنرانی را نفی می‌کند.

این جمله در کتاب انتخابات لنین به زبان آلمانی جلد اول، برلن ۱۹۵۳ بنگاه انتشاراتی دیتز Dietz Verlag 1953 Berlin - Ausgewählte Werke چنین آمده است:

... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

دوستان تروریست های ...

آنها قرار داشتند و در بوق "اپوزیسیون سوریه" می‌دمیدند و از "دوستان سوریه" و سالها از "تروریستهای خوب" در مقابل مبارزه ۶ ساله مردم سوریه حمایت می‌کردند، امروز مجالس عزا برگزار می‌کنند و خواهان احترام به حقوق تروریستهای "میانه رو" و تروریستهای داعش هستند. آنها ۶ سال تمام به داعش تجهیزات مورد نیازش را رساندند. ناتو سازمان تدارکاتی داعش بود. مرز تروریستها را در اینجا تنها یک امر تعیین می‌کند. چه کسانی از استقلال، حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه دفاع می‌کنند و چه کسانی در کنار امپریالیستها و داعش ایستاده‌اند و دروغهای آنها را بازتاب می‌دهند. چه کسانی از آزادی حلب شادمانند و چه کسانی از آزادی حلب و شکست داعش زجر می‌کشند. ایرانی‌های همدست داعش که دیگر روی حمایت آشکار از داعش را ندارند حالا بوق دیگری برداشته و در آن چنین می‌دمند که باید نیروهای بسیجی شیعیان را که ایران سازمان داده است، حزب‌الله لبنان و حمایت روسیه از حکومت قانونی و مشروع بشار اسد را محکوم کرد. این ایرانی‌های خودفروخته، انقلابی نیستند یاران شکست خورده و عصبی داعش هستند و تلاش دارند پیروزی بر داعش و امپریالیسم غرب را که همه منطقه را تهدید می‌کرد و می‌کند و به نفع خلقها و کشورهای منطقه است، ناچیز جلوه دهند.

در برخورد به دسیسه‌های امپریالیسم غرب در سوریه که بخشی از سیاست جنگ‌طلبانه، تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه غرب است از "چپ" و راست مواضع مختلفی گرفته می‌شود که حزب ما قصد دارد به آنها برای چندمین بار برخورد کند. زیرا حزب ما بر آن است که دشمنان مردم سوریه و همدستان با نقاب و بی نقاب داعش، دشمنان مردم ایران نیز هستند و در پی ایجاد شرایطی نظیر افغانستان، عراق، لیبی و سوریه در ایران نیز می‌باشند. ما نقش این اپوزیسیون خودفروخته ایران را در سمینارها، مصاحبه‌های تلویزیونی و تریبونال لندن دیده‌ایم که در بساط امپریالیستها و عربستان سعودی می‌رقصیدند و پایکوبی می‌کردند.

تئوری نیروهای دست راستی و امپریالیسم در این است که "دموکراسی"، "حقوق بشر" و "آزادی" در سوریه مورد تعرض قرار گرفته و مردم سوریه شایستگی آن را دارند که از مزایای این حقوق برخوردار باشند و امپریالیستها که دلشان برای نقض حقوق بشر بسیار می‌سوزد، تصمیم گرفته‌اند با اعمال فشار و سیاست تغییر رژیم در سوریه، آنها توسط عوامل نفوذی، با رخنه‌گری، با بسیج ناراضیان مرتجع، ضد دموکرات، ضد حقوق بشر و ایجاد آشوب و تنش و حتی محاصره اقتصادی و تجاوز خارجی به قیمت جان میلیونها مردم سوریه و آشوب در منطقه این رژیم مشروع و عضو سازمان ملل را سرنگون کنند. روپوش تئوری‌های تجاوزکارانه آنها تحقق "حقوق بشر" است؟! در این جبهه وسیع هواداران "حقوق بشر"، "دموکراسی و

آزادی"، امپریالیسم آمریکا و امپریالیستهای مجتمع در ناتو و دول ترکیه، عربستان سعودی، قطر، کویت، اردن و امارات متحده عربی و عمل مجری سیاست آنها یعنی داعش قرار دارند. همین ترکیب ناهمگون و مشمزن کننده نشان می‌دهد که هیچکدام از این ممالک در تاریخ معاصر جهان مدافع حقوق بشر، استقرار آزادی و دموکراسی در سراسر جهان نبوده‌اند. این دول امپریالیستی از کثیفترین و مستبدترین رژیمهای دست نشانده در جهان نظیر نگودین دیم در ویتنام، مارکوس در فیلیپین، سوهارتو در اندونزی، شاه در ایران، مناحم بگین- آریل شارون- نتانياهو... در سرزمین اشغال شده فلسطین، رژیم سرهنگان در یونان، سالازار در پرتغال، فرانکو در اسپانیا، موبوتو در کنگو، بن علی در تونس، مبارک در مصر، باتیستا در کوبا، سوموزا در نیکاراگوئه، پینوشه در شیلی، ژنرال ویدلا در آرژانتین و... به دفاع برخاسته‌اند و حتی بسیاری از آنها را با کودتا بر سرکار آورده تا حقوق بشر را نقض کنند و دموکراسی را نابود گردانند و آزادیهای دموکراتیک را برچینند. همه ممالک امپریالیستی برای غارت کشورهای سه جهان به انقیاد سیاسی این ممالک نیاز دارند، زیرا ممالک دست نشانده با رژیمهای فاسد را بهتر و بیشتر می‌شود غارت کرد تا ممالک مستقل ولی غیر دموکراتیک نظیر عراق، لیبی و سوریه را. هم اکنون منفورترین رژیمهای سرکوبگر و عقب‌مانده در عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، کویت بر سر کار هستند. در این کشورها نه انتخابات آزادی صورت می‌گیرد و نه به حقوق بشر و از جمله به حقوق زنان اعتنائی می‌گردد، ولی همین "مبشران" آزادی بهترین متحدان امپریالیستها برای تجاوز به سوریه هستند و از دیکتاتوری بشار اسد و شیعه بودن وی ناله می‌کنند. دولت ترکیه که تا دیروز متحد مورد اعتماد و کشور امن و امان و دموکرات و آزادیخواه از نظر امپریالیستها معرفی می‌شد و آنها این کشور را سرمشق تلفیق اسلام و دموکراسی در ممالک اسلامی جا می‌زدند، بیکباره آنرا کشوری نامن، ناقض حقوق بشر، متجاوز و همدست داعش اعلام می‌دارند، زیرا که فعلا به ساز ناتو نمی‌رقصد. این نمونه‌های روشن برای کسانی که می‌خواهند مغز خود را به کار ببندازند و بفهمند کافی است تا متوجه شوند در نزاعی که در گرفته است بحث بر سر تقسیم حقوق بشر، آزادی و دموکراسی نیست. عفریت‌های استبداد در سراسر جهان نمی‌توانند فروشنده حقوق دموکراتیک باشند. این حقیقت روشن می‌سازد که تجاوز به یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبی و سوریه و دخالت در امور داخلی آنها برای تقسیم "تمدن" و پایان استبداد نیست. این حقیقت که امپریالیسم آمریکا از عربستان سعودی در مقابل ایران دفاع می‌کند، تائید این دروغ که ماهیت نزاعهای منطقه دعوی شیعه و سنی است، نمی‌باشد. طرح این افسانه برای سرپوش گذاردن سیاستهای تجاوزکارانه امپریالیسم در منطقه است. جرج بوش غیر سنی وقتی وارد

عراق شد، سیل کشیهای آمریکایی را برای "رستگاری" عراقی‌ها به بغداد گسیل داشت، ولی هدفش غارت نفت عراق بود. ناتو به رهبری آلمان با تجاوز و دخالت در امور داخلی اوکراین یک رژیم فاشیستی از نازیهای قدیمی را در آنجا بر سرکار آورده است و کشور مستقل اوکراین را با روی کار آوردن عوامل دست نشانده خویش، برای گسترش به سمت شرق به خاک خون کشانده است. در این کشور باند جنایتکاران بر سرنوشته مردم حاکم شده‌اند و از هیچ جنایتی نظیر آدمسوزی نیز روگردان نیستند. آیا نیروهای انقلابی باید به قسم‌های امپریالیستها و اشک تمساح آنان و افسانه‌سرایی تئوریک آنها، بعد از این همه تجارب خونین تاریخ باور کنند؟

امپریالیستها متحدان "چپ" هم دارند. این متحدان اینطور استدلال می‌کنند که رژیم صدام حسین، معمر قذافی، بشار اسد و... ماهیتا رژیمهای ارتجاعی و استبدادی هستند و سرنگونی آنها توسط امپریالیستها اشکالی ندارد. از نظر آنها دعوی آنها دعوی میان دو نیروی ماهیتا ارتجاعی است و این "چپ"ها نمی‌خواهند دستهای خود در دفاع از این رژیمهای مستبد کثیف کنند. به نظر آنها این دعوی به آنها مربوط نیست. این "چپ"ها حتی خودشان را به امپریالیستها برای مبارزه بر ضد حکومت‌های ارتجاعی عرضه می‌کنند و مدعی می‌شوند چون وظیفه نیروهای "انقلابی" در درون این کشورها سرنگونی این رژیمهای ارتجاعی است، حال که امپریالیستها مترصدند به این خواسته آنها پاسخ مثبت دهند، باید با امپریالیستها به صورت شرمگینانه همکاری کرد. آنها به دو مرحله از مبارزه اعتقاد دارند. مرحله اول سرنگونی این رژیمهای ارتجاعی و در مرحله دوم سرنگونی همه امپریالیستهای جهان و اخراج آنها به عنوان مثال از سوریه و یا ایران. این "چپ"ها عمال امپریالیسم در این کشورها هستند و ماموریت آنها این است که تخم یاس در کشور بپراکنند، مردم را به خانه نشینی و بی تفاوتی تشویق کنند تا راه اشغال این کشورها به بهانه استقرار "حقوق بشر و دموکراسی" هموار شود. این "چپ"ها ستون پنجم امپریالیسم در این ممالک هستند. در کشور ما ایران نیز این نوع جاسوسان وجود دارند که می‌خواستند در سال ۲۰۱۲ در صورت تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران، "جبهه سومی" ایجاد کنند که در دو میدان هم علیه همه ارتجاع جهان و هم علیه رژیم حاکم جمهوری اسلامی در داخل ایران همزمان بجنگند. آنها می‌خواستند هم رژیم جمهوری اسلامی در ایران را سرنگون کنند و هم امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را. ولی از زمانی که امپریالیستها در برنامه خود تغییراتی دادند این اپوزیسیون "چپ" خودفروخته ایرانی "ارتشهای عظیم" خود را از صحنه نبرد خارج کرده و برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی اقدامی نمی‌کند. ظاهرا باید این طور تصور کرد که سرنگونی رژیم ... ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

دوستان تروریست های ...

جمهوری اسلامی ساده‌تر از سرنگونی همزمان این رژیم و همه ارتجاع جهانی در مجموع خود است.

بخشی از این همدستان امپریالیسم در جهان و در ایران تلاش می‌کنند سیاست تبلیغاتی بی‌تفاوتی خویش و پخش بذر یاس و ناامیدی را به "تئوری لنین" نسبت دهند. بر اساس درک ناقص آنها از این تئوری "لنینی" پیرامون رویدادهای سوریه، چون هر دو طرف تضاد ماهیتا ارتجاعی‌اند و از آنجا که دولت روسیه امپریالیستی و دولت چین نیز امپریالیستی بوده و از دولت بشار اسد دفاع می‌کنند پس جنگ در سوریه جنگی ماهیتا امپریالیستی است و "کمونیستها" باید آنرا به جنگ داخلی بدل کنند و از این تضادهای امپریالیستی استفاده کرده و با یک نبرد مسلحانه "سوسیالیسم" را در سوریه برقرار کنند. روشن است که این تئوری ربطی به لنین و به درک ماتریالیستی و دیالکتیکی از رویدادها و پدیده‌ها ندارد. لنین وقتی از استقرار سوسیالیسم در کشور واحد سخن می‌راند و نظریه انقلاب جهانی را در دوران پیدایش امپریالیسم رد می‌کرد، بحث‌اش ناظر به جنگ جهانی بود که سیاستهای حاکم در این جنگ برای به برده کشیدن ملل و غارت آنها و کسب مواد خام و توسعه فزاینده بازارهای فروش است، در نزاع بر سر غارت کشورها و اسارت ملل طبیعتا طرف برحق وجود ندارد. در این جنگ غارتگران نیروهای انقلابی نمی‌توانند در جبهه امپریالیستی خودی با شعارهای مینهنرستانه قرار گرفته و از غارت خودی‌ها بر ضد ناخودی‌ها حمایت کنند. در این جنگ جهانی امپریالیستی یک حلقه ضعیف پدید خواهد آمد که باید مورد استفاده نیروهای انقلابی قرار گیرد و سایر امپریالیستهای که در جنگ جهانی توانفرسا ضعیف شده‌اند، نمی‌توانند با قطعیت به جنگ کشوری روند که طبقه کارگرش آزادی خویش را به دست آورده است. تجاوز به سوریه، به عراق، به لیبی و یا به ایران جنگ امپریالیستی نیست، حتی اگر روسیه و یا چین از حقوق این کشورها به دفاع برخیزند. مشکل این جریانهای "چپ" و تروتسکیستی در این است که به استقلال کشورها و مبارزه ملی و ضد امپریالیستی اعتقادی ندارند. آنها در دروان امپریالیسم فقط آن مبارزه ای را ملی ارزیابی می‌کنند که "سوسیالیسم" مورد نظر آنها را در این کشورها مستقر کند. ولی آنها با این تئوریهای ارتجاعی و ضد لنینی در عمل مبارزه مردم فلسطین که برای نابودی متجاوز و اشغالگر مبارزه می‌کنند و می‌خواهند استقلال خویش را به کف آورند نفی کرده، آنرا مبارزه-ای ارتجاعی و غیر قابل دفاع ارزیابی می‌کنند و "کمونیستهای فلسطینی" را فرا می‌خوانند علیه ارتجاع فلسطینی و همزمان علیه نیروهای صهیونیستی بجنگند. به نظر آنها مبارزه مردم فلسطین ماهیتا یک جنگ امپریالیستی است زیرا در یک طرف امپریالیستهای آمریکا و اروپا

قرار دارند و در طرف دیگر روسها و چینی‌ها از فلسطینی‌ها دفاع می‌کنند. اندیشمندان بزرگ این تئوری‌های مضحک و بی ارزش حتی برای فریب افکار تا به آن حد پیش می‌روند که مدعی می‌شوند جهانی شدن سرمایه، تضاد کار و سرمایه را در همه جهان به تضاد عمده بدل کرده و حل این تضاد در دستور کار همه نیروهای انقلابی است. و از این نتیجه می‌گیرند که در تمام ممالک باید بر ضد سرمایه‌داران همان کشور و برای سرنگونی آنها جنگید و لذا مبارزه‌ای به عنوان مبارزه ملی وجود نداشته، در سراسر جهان مبارزه ما مبارزه طبقاتی است. این اندیشمندان به درد اطافهای فکری امپریالیستی می‌خورند تا آنها را با حقوق گزاف استخدام کنند. این تئوریه‌ها در واقع دفاع از استعمار و سلطه امپریالیسم است. این تئوریه‌ها نقش و ماهیت تجاوزکارانه، جنگ‌طلبانه و اشغالگرانه امپریالیستها را نفی می‌کند و ناچار است برای اثبات سیاستهای تسلیم طلبانه خویش همان استدلالات امپریالیستها را که گویا مبشران آزادی و دموکراسی و تحقق حقوق بشر هستند، بپذیرد. واقعیت ولی این است که ملت‌های جهان و اقشار و طبقات عظیمی در این کشورها که اکثریت بشریت را تشکیل می‌دهند الزاما خواهان سوسیالیسم نیستند، ولی مخالف اشغال کشور خود و دخالت اجانب در سرنوشت ملت خود هستند. مقاومت ملتها در مقابل تجاوز امپریالیستها یک خواست برحق، عادلانه و انقلابی است حتی اگر رهبری آن الزاما در دست پرولتاریا نباشد. رهبری پرولتاریائی تنها در سمتگیری این مبارزه و درجه پیگیری و عمق تحولاتی که در پیش دارد موثر است و نه صرفا در خواست استقلال و حفظ تمامیت ارضی ممالک.

حزب ما از حق استقلال ملتها و تمامیت ارضی کشورها دفاع می‌کند. این یک دستاورد بشریت است که شالوده سازمان ملل متحد می‌باشد. تمام



کشورهای جهان چه کوچک و چه بزرگ، جدا از رنگ و نژاد، جدا از نظامهای حاکم در آنها استبدادی و یا دموکراتیک، جدا از ایدئولوژی حاکم بر آنها، جدا از مذهب و اعتقادات فکری، دارای حقوق مساوی‌اند. هیچ کشوری حق ندارد

به بهانه نوع حکومت حاکم در کشوری که مورد پسند وی نیست به این کشور حمله کند. به بهانه نقض حقوق بشر نمی‌شود حقوق ملل را نقض کرد و بعد از نقض حقوق ملل با تجاوز به کشور مفروض دمار از روزگار بشر در همان کشورها درآورد و مردم مورد تجاوز را از حق حیات محروم کرد. هیچ کشوری حق ندارد در امور داخلی کشور دیگری به صورت خودسرانه و تفسیرهای من در آوردی دخالت و به آن حمله کند و بساط استعمار را مجددا در جهان برپا نماید. سرنگونی و یا تغییر حکومت‌های کشورها به عهده مردم همان کشورهاست و نه قوای اشغالگر و متجاوز خارجی. حزب ما از این اصول دفاع می‌کند و هر نیرویی که به این دستاوردها احترام بگذارد و در جانب احترام به حقوق ملل قرار گیرد، صرفنظر از ماهیت ارتجاعی و منافع لحظه‌ای وی، سیاستش به طور عینی به نفع ملل جهان به ویژه ملل ضعیف جهان است. حزب ما دول روسیه و چین را در شرایط کنونی جهان خطر بلاواسطه‌ای برای صلح جهان ارزیابی نمی‌کند، بلکه برعکس بر این عقیده است که امپریالیسم متجاوز غرب که با سیاست نظم نوین جهانی به میدان آمد و در پی جهانی کردن سرمایه به هر وسیله‌ای می‌باشد، تهدید و خطر مهمی برای صلح و برهم زدن نظم جهانی به نفع امپریالیستهای تجاوزکار است و باید با این تهاجم لجام گسیخته مبارزه کرد. ایجاد جبهه‌ای برای مبارزه با تجاوز و حفظ صلح جهانی و احترام به حقوق ملل، این است سیاست انقلابی که باید در شرایط کنونی جهان از آن دفاع کرد. اتخاذ این سیاست که گویا امپریالیست امپریالیست است و یا ارتجاع ارتجاع است، ناشی از تحلیل مشخص از شرایط مشخص نیست، بلکه از مغزهای تهی و فاقد معیارهای علمی برای ارزیابی نتیجه می‌گیرد. حزب ما با این تحلیلهای امپریالیستی مخالف است و با آن مبارزه می‌کند و این سیاستها را در خدمت تشنج و آشوب و کشتار در جهان می‌داند. در خاتمه نباید این واقعیت را ناگفته گذارد که هم ایران و هم روسیه از طرف دولت قانونی سوریه دعوت شده‌اند و با دولت سوریه دارای قرارداد و همکاری‌های نظامی‌اند. این همکاری‌ها در مورد ایران از جنگ تحمیلی عراق به ایران آغاز شد که دولت سوریه در کنار ایران قرار داشت. شرکت این دو دولت در رویدادهای سوریه، خواست دولت قانونی سوریه و دخالت در امور داخلی این کشور نیست. این قیاس که دخالت داعش، ناتو، امپریالیسم آمریکا را همتراز با شرکت ایران و روسیه در رویدادهای سوریه جلوه می‌دهد و با جا زدن داعش به عنوان مردم سوریه از "جنگ داخلی" صحبت می‌کند، حتی از نظر حقوق بین‌الملل نیز مردود است.

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

کمونیست بود، منظور تنها کمونیست‌هایی بودند که در حزب کمونیستی کشور خویش متشکل بودند. سواى کمونیست‌های سرشناس که در کارهای هنری و یا فرهنگی فعالیت داشتند و به همین دلیل نیز تنها به طرفداری و دفاع از شوروی سوسیالیستی و استالین اکتفا می‌کردند؛ فرد کمونیست یعنی انسانی حزبی بود. زمانی که

زمینه ایدئولوژیک، سیاسی و برنامه‌ای (حزبی) انجام یافت و به پیروزی رسید. **بدون این پیروزی، بدون ایجاد حزب لنینی، امکان پیروزی انقلاب خواب و خیالی بیش نبود.** چنین است که مفهوم کمونیسم و بلشویسم، پس از انقلاب و تا کودتای خروشان با هم عجین شدند و نه تنها در ذهنیت کمونیست‌ها، بلکه حتی در

انقلاب اکتر بلشویک ها...

Genossen! Wir Kommunisten sind Menschen von besonderem Schlag. Wir sind aus besonderem Material geformt.

پژوهش ما به یاری لطف رفیقی که به زبان روسی تسلط داشته و از ستایشگران رفیق استالین است نیز نشان داد که در متن روسی نیز همین عبارت به کار گرفته شده است. از این گذشته نباید فراموش کرد که تجربه و دقت در برگردان واژه‌های ادبیات کمونیستی به یک باره به دست نیامده است. هر چه شناخت کمونیست‌های ایران به فلسفه مارکسیسم و درک از مقوله‌ها و دقت در بیان آن بیشتر شده است، به همان نسبت برگردان واژه‌ها و عبارات نیز دقیق‌تر شده‌اند. در گذشته شاید در هنگام برگردان آثار کلاسیک تفاوت چندان میان «سرشت»، «ماهیت»، «زمره»، «رده» و یا «نوع» نمی‌گذاردند، ولی با شناخت بیشتر از مفاهیم فلسفی و سیاسی که بازگوکننده دقیق‌تری از دنیای مادی خارج از ذهن بوده‌اند، این وضعیت تغییر یافته است و لذا همیشه برای شناخت بیشتر نباید واژه‌ها را از متن اصلی مورد نظر نویسنده خارج ساخت.

در این جا روشن است که besonderer Schlag معنی دیگری دارد تا سرشت. چیزی شبیه «زمره»، «نوع»، «رده» و یا «قماش».

در سرشت، طبیعت تغییرناپذیر (به خوان متافیزیک) می‌توان یافت، ولی در «زمره»، «رده» و یا «قماش»، آن مصالح و اجناسی‌اند که برای تغییر آنان احتیاج به کار بر روی آن وجود دارد (به خوان دیالکتیک).

۲- اما سواى ترجمه نادقیق، ناروشن و یا حتی غلط که می‌توان بر این متن وارد دانست، تمام نطق استالین که ما در پائین اشاراتی به آن می‌کنیم، افشاکننده تهمتی است که در پس این تئوری نهفته است. قصد ما تنها افشای این اتهام ناروا نیست. بلکه هدف روشن ساختن برخی از زوایای فعالیت و تاریخ حزب کمونیست

شوروی (بلشویک) در ارتباط با پیروزی انقلاب اکتر ۱۹۱۷ است.

در پیروزی انقلاب اکتر مبارزه بلشویک‌ها تحت رهبری لنین بر علیه منشویک‌ها در سه

100. Jahrestag der großen sozialistischen Oktoberrevolution 1917 – 2017

۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر



۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر و تأثیرات عظیم اجتماعی آن در جهان و ایران

تجلیل از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران از دوران حزب کمونیست ایران تا به امروز
برای استقرار سوسیالیسم علیه ارتجاع، سرمایه داری، امپریالیسم و ریزیونیزم

سخنرانی، نمایش فیلم، برنامه های هنری شامل رقص محلی، موسیقی، شعرخوانی، نمایشگاه عکس، شام

شنبه ۲۷ ماه مه ۲۰۱۷ ساعت ۱۸ بعد از ظهر

Mainz

در عرصه جهانی

Seminar u. Veranstaltung: 100 Jahre Oktoberrevolution u. ihre
Bedeutung für heute

9-11 Juni in der Jugendherberge Tübingen

Hermann-Kurz-Straße 4, 72074 Tübingen

Teilnehmerbeitrag 60 € bzw. 80 € Vollpension + Übernachtung

تماس برای رزرو کردن جا و پیش پرداخت مخارج ضروری است. تلفن و ایمیل 07159/4200174

webmaster@arbeit-zukunft.de/www.arbeit-zukunft.de

برگزار کننده: احزاب برادر آلمان، ترکیه، دانمارک و فرانسه

Partei der Arbeit(Toufan)

با پشتیبانی حزب کار ایران(توفان)

Kontaktadresse: Postfach: 103825/60108 Frankfurt – Germany
toufan@toufan.org

استالین در نطق خود در سال ۱۹۲۴ از «ما کمونیست‌ها مردمی از زمره ویژه‌ایم، ما از مصالح خاصی بُرش یافته‌ایم...» سخن می‌راند، تنها کمونیست‌هایی... ادامه در صفحه ۵

تمام تبلیغات بنگاه‌های ضد کمونیستی غرب نیز بلشویک یعنی کمونیست، بود.
همچنین بدون شرکت و فعالیت در حزب کمونیست تا سال‌های سال هر آنجا که سخن از

۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر اکتر این ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین را جشن بگیریم

انقلاب اکتبر بلشویک ها...

را منظور داشته است که در «سپاه سردار بزرگ پرولتاریا» متشکل‌اند. بخش کوتاه اول نطق را به‌خوانیم:

«رفقا! ما کمونیست‌ها مردمی از زمره ویژه‌ایم؛ ما از مصالح خاصی بُرش یافته ایم؛ کسانی هستیم که سپاه سردار بزرگ پرولتاریا، سپاه رفیق لنین را تشکیل می‌دهیم. هیچ افتخاری

همانا قادرند که با مدد انتقاد و انتقاد از خود، با اتکاء به علم مارکسیسم بر علیه آن برخیزند. اما از سوی دیگر آنان حاضر نیستند که جایگاه اجتماعی و ایده‌ای خویش، اتکاء خود را به رسالت تاریخی‌ای که طبقه کارگر و حرکت دیالکتیکی تاریخ تنها به عهده آنان واگذار نموده است (مارکسیسم-لنینیسم)، طبق انتقاد ناوارد این فرد یا آن رفیق، از خود سلب نموده و یا حتی از آن دفاع ننمایند.

آری این درست است که همه ما انسان‌ها در جامعه دارای جایگاه اجتماعی، طبقاتی و ساخت فکری خاص خویش هستیم که نتیجه شرکت ما در فعالیت‌های اجتماعی،

حرفه‌ای، طبقاتی و غیره است. یک نجار و یا قصاب با یک روشنفکر حرفه‌ای و یا کاسب بازار دارای ویژگی‌های متفاوت فکری و عملی هستند که آنان را از هم جدا می‌سازد. اما در عین حال یک روشنفکر و با نجار که در حزبی فاشیستی و یا مذهبی فعالیت کرده و فرم یافته است، با روشنفکر و یا نجاری که در یک حزب کمونیست تشکیل یافته و در آنجا بُرش ایده‌ای یافته است، به اندازه زمین تا آسمان از لحاظ اجتماعی، سیاسی و عمل‌کردهای خویش، متفاوت‌اند.

آنان که به استالین ایراد می‌گیرند که چرا او کمونیست‌ها را به

ستم اجتماعی و طبقاتی برای صلح برای وحدت ملت‌ها و خلق‌ها برای اتحاد دهقانان و کارگران برای همبستگی جهانی کارگران و دهقانان و خلق‌های ستم دیده، برای مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع و ... مبارزه می‌کنند. همه اینها در برنامه آنان گنجانده شده است. و در جهت اجرای آنها نیز کار می‌کنند. آنان با این روحیه، با این برنامه و عمل‌کردها پرورش یافته و بُرش

جنبش سوسیال دموکراسی و انقلاب کبیر سرآغاز پیدایش افکار کمونیستی در ایران و آزادی و استقلال ایران از یوغ تلاشهای امپریالیسم انگلستان و روسیه در ایران بود. جنبش کمونیستی ایران ضامن استقلال، آزادی و دموکراسی در ایران بوده و خواهد بود و باید این میراث عظیم را جشن گرفت و در آستانه ۱۰۰ سالگی انقلاب اکتبر از این مبارزه و فداکاری تجلیل کرد. حزب ما به همه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران، به مبارزان راه آزادی طبقه کارگر تجلیل از این فعالیت را مدیون است و تلاش می‌کند با بسیج کمونیستهای ایرانی از این مبارزه و مبارزان راه آنها را زنده نگهدارد. ملتی که تاریخ خود را فراموش کرده و یا تحریف آنرا بپذیرد هرگز روی سعادت و خوشبختی را نخواهد دید.



بالا تر از تعلق به این سپاه نیست، هیچ افتخاری بالاتر از داشتن نام عضویت حزبی که بنیادگذار و رهبر آن رفیق لنین است، نمی‌باشد. همه کس لیاقت عضویت چنین حزبی را ندارد؛ همه کس را تاب تحمل مصائب و توفان‌های مربوط به عضویت این حزب نیست. فرزندان طبقه کارگر، فرزندان نیاز و مبارزه، فرزندان حرمان‌های بی‌پایان و مساعی قهرمانانه.»

کمونیست‌های عضو چنین حزبی نه تنها فرزندان نیاز و مبارزه و حرمان‌های آنند، نه تنها مصائب و توفان‌های مربوط به عضویت این حزب را به جان خریده‌اند، بلکه برای آرمان‌های مبارزه می‌کنند که هیچ گروه، هیچ حزب و هیچ نیرویی در تاریخ بشر تاکنون مطرح نساخته است. آنان برای جهانی خالی از

فکری، معنوی، بُرش سیاسی و ایدئولوژیک می‌یابند. چگونه می‌توان همه اینها را نادیده گرفت و بر آن نبود که کمونیست‌ها از مصالح خاص بُرش یافته‌اند و مردمی از گونه و رده‌ای دیگراند؟ کدام یک از سازمان‌های سیاسی و احزاب جهان قادراند که اندکی کوچک از این اهداف را در برنامه خود به‌گنجانند؟ چگونه است که همه آنان در سرکوبی و فحاشی به کمونیست‌ها به انقلابات آنان و به رهبران آنان به ویژه لنین و استالین با هم به مسابقه می‌پردازند؟

کمونیست‌های وفادار به مارکسیسم-لنینیسم هرگز دچار خودمرکزبینی و ایدالیسم به‌منابۀ ابزار فکری و ایدئولوژیک خویش، نمی‌گردند و چنانچه این مرض به آنان نیز رخنه ساخت،

خاطر کمونیست بودن و عضویت‌شان در حزب کمونیستی از نوعی ویژه و با بُرش از مصالح خاص می‌شناسد و به این دلیل گویا دچار تفکر متافیزیک است، خود همه انسان‌ها را تابع «جایگاه اجتماعی» خویش دانسته و آنان را در آن جایگاه به حبس ابد محکوم می‌سازند. توگوئی شرکت فعال آنان در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و به ویژه حزبی قادر به تغییر آنان نیست.

بگذار صد سالگی انقلاب اکتبر را با یاد رفیق لنین و همراه وفادارش استالین جشن بگیریم و وفاداری آنان را به آرمان‌های طبقه کارگر به کمونیسم و انقلاب سرمشق خود قرار دهیم.

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

رفسنجانی یکی ...

این مارمولک داشتند درک کنید نظر خوانندگان را به گزارشی که در اواخر سال ۷۹ از ایران داده شده است جلب می کنیم. در آن زمان محمد خاتمی بعد از سخنرانی رفسنجانی در رفسنجان از وی ستایشی به عمل آورد که نفرت مردم را برانگیخت بطوریکه دست اندرکاران با حیرت زدگی می گفتند تاثیر منفی چنین ستایشی به مراتب بیشتر از ستایشی بوده است که خاتمی حتی از اسدالله لاجوردی "قصاب اوین" کرده است.

رفسنجانی شخص مورد اعتماد خمینی بود و همراهش در همه فعالیتهای ضد مردم و ایران ستیزانه نقش فعال داشت. نگاهی به مسئولیتهایی که وی در این دوران به عهده گرفته است از نقش مهم وی در جمهوری اسلامی و اعتمادی که نسبت به وی وجود داشته است پرده بر می دارد: عضویت در شورای انقلاب از همان بدو امر، ریاست شورای امنیت ملی، نخستین رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجمعی که بر بالای سر همه چیز و تصمیمات مردم قرار دارد و تصمیم گیرنده پشت پرده است و تمام آن تصمیماتی را که فقط به نفع نظام تشخیص می دهد به رسمیت می شناسد. این مجمع نه تنها برای سازش بین جناحهای گوناگون هیأت حاکمه تشکیل شده، بلکه مجمعی بالای سر مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است که چنانچه تصمیمی از زیر دست این دو ارگان در اثر غفلت رد شد، این مجمع آنرا ضد مصالح نظام تشخیص دهد و جلوی اجرایش را بگیرد، وی نماینده مجلس خبرگان رهبری، دومین رئیس مجلس خبرگان رهبری، چهارمین رئیس جمهور ایران، جانشینی فرماندهی کل قوا، رئیس شورای عالی دفاع، اولین رئیس مجلس شورای اسلامی نیز بود. چنین فردی با این سوء سابقه نه می تواند دموکرات باشد و نه آزادیخواه. رفسنجانی عضو مؤسس "حزب جمهوری اسلامی" بود که از رویداد انفجار دفتر این حزب جان سالم به در برد به طوریکه شایع شده بود وی در این بمبگذاری نقش داشته و می خواسته است رفیق خود آیت الله بهشتی را از بین ببرد. وی بعدا برای اعمال نفوذ در میان روحانیت "جامعه روحانیت مبارز" را بنا نهاد که این سازمان به موثرترین تشکل سیاسی روحانیون محافظه کار ایران بدل شد و وی تا روز مرگش در این تشکل عضویت داشت. رفسنجانی سپس ریاست هیئت مؤسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی را که خود به وجود آورده بود تا در میان روشنفکران جای پائی باز کند، به عهده گرفت.

رفسنجانی فردی فاقد اصولیت بود، سیاست وی ماکیاولیستی و مزورانه تنها با هدف تقویت قدرت سیاسی جمهوری اسلامی به هر وسیله در بدو امر بود. برای وی هدف، هر وسیله کثیفی را برای تحکیم این نظام تقویت می کرد. وقتی داماد و پدر وی آیت الله لاهوتی را دستگیر کردند، وی برای نجات جان آنان علیرغم نفوذ

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS



فروانی که داشت گامی برنداشت. شایع بود که آیت الله لاهوتی نیز مانند آیت الله طالقانی تمایلات چپ دارد. در زندان آیت الله لاهوتی با سم استریکنین کشته شد که مرگ وی را سکنه قلبی اعلام کردند. رفسنجانی که در جریان امر بود ترجیح داد علیرغم اطلاع کامل از مسایل، در "خدمت منافع اسلام عزیز و مرجع تشخیص مصلحت رژیم" بر این قتل سرپوش بگذارد و از تقاضای مجازات عاملان قتل صرف نظر کند. این نوع قساوت قلب در کمتر حیوانی پیدا می شود. حزب ما در آینده در مورد خانواده مافیائی و نقش تبهکارانه رفسنجانی در کشتار مبارزان در خارج و داخل و ثروتهای افسانه ای وی بیشتر خواهد نوشت.

اگر کوسه ماهی ها آدم ..

نئولیبرالیزه سبک رفسنجانی را به گور بسپارند، اقتصاد نوینی برپا کنند و کشور را از زیر تنه عفریت این خانواده مافیائی بیرون بکشند. این کوچک ماهی های کوچک در مکتب کوسه ماهی ها، آموزش دیده و مغزشان را به گروگان گذارده اند و رویای آزادی و سرافرازی را دارند. چه خوب گفت نویسنده کمونیست آلمانی، رفیق برتولت برشت:

"دختر کوچولوی صاحبخانه از آقای "کا" (K) مخفف "کونیتر" (Keuner-توفان) پرسید: "اگر کوسه ها آدم می بودند، با کوچک ماهی ها مهربانتر می بودند؟" آقای کا (K) گفت: "البته، اگر کوسه ها آدم می بودند، اجازه می دادند توی دریا برای کوچک ماهی ها اتاقک های محکمی با هر نوع مواد غذایی در آن، چه محصولات گیاهی و چه حیوانی، بسازند. آنها مواظب می بودند که اتاقک ها همیشه با آب تازه همراه باشند و تدابیر عیدیه ای بهداشتی منظور می داشتند تا چنانچه یک کوچک ماهی بالاش را زخمی بکند بر آن مرهم نهند تا وی زودتر از موعد مقرر نمیرد، برای آنکه هیچوقت کوچک ماهی افسرده نگردد، گه گاهی جشنهای بزرگ آببازی بر پا می کردند، چون که گوشت کوچک ماهی شاد از کوچک ماهی افسرده لذیذتر است!

طبیعتا در آن اتاقک های بزرگ برای کوچک ماهی ها مدرسه هم می ساختند در آن مدرسه ها کوچک ماهی ها یاد می گرفتند که چه جوری می شود در حلقوم کوسه ماهی غوطه ور شوند. آنها مثلا به آموزش جغرافیا نیز نیاز می داشتند تا بتوانند کوسه ماهی های تنبلی را که در اطراف لم داده اند، پیدا کنند. درس اصلی کوچک ماهی ها

طبیعتا تربیت اخلاقی می بود. به آنها می قیلولاندند که زیباترین و باشکوه ترین کارها برای یک کوچک ماهی این است که خودش را شادمانه برای کوسه ماهی قربانی کند. و همه آنها به کوسه ماهی ها ایمان داشته باشند و بویژه زمانی که آنها مدعی می شوند در پی ایجاد آینده زیبا هستند. آنها به کوچک ماهی ها یاد می دهند که برای این آینده زیبا فقط باید مطیع و گوش به فرمان باشند.

کوچک ماهی ها می بایست قبل از هر چیز از همه تمایلات پست مادی، خودپرستانه و مارکسیستی پرهیز کنند، و چنانچه یکی از آنها چنین گرایشاتی را بروز داد، فوراً آنرا به اطلاع کوسه ها برسانند. اگر کوسه ها آدم می بودند، مسلماً با همدیگر نیز می جنگیدند تا اتاقک ماهی ها و کوچک ماهی های بیگانه را تسخیر نمایند. جنگها را با دست کوچک ماهی های خود رهبری می کردند. آنها به کوچک ماهی می آموزاند که میان آنها و کوچک ماهی های سایر کوسه ها تفاوت فاحشی وجود دارد. بعدا اعلام می کردند، همانطور که می دانید کوچک ماهی ها لال اند، ولی آنها به زبانهای کاملاً متفاوتی سکوت می کنند، به همین جهت اصولاً نمی توانند یکدیگر را بفهمند. به هر کوچک ماهی هایی که در جنگ شماری از کوچک ماهی های دشمن را که به زبان دیگری ساکت بودند، بکشد، یک نشان کوچک از جنس خزهی دریایی به سینه اش سنجاق می کنند و به او لقب قهرمان اعطا می شود. اگر کوسه ها انسان می بودند البته صاحب هنر هم بودند. تصاویر زیبایی بوجود می آمد که در آن تصاویر دندانهای کوسه ماهیها به رنگهای هوش ربا و حلقومشان چون باغ ناب عدن که در آن شاد و سرخوش به این سو و آن سوی می توان جست و خیز کرد، نقش می شدند. تماشاخانه های کف دریا نمایش می دادند که چگونه کوچک ماهی ها قهرمان سان و از خود بی خود در حلقوم کوسه ماهی ها غوطه ور می شوند و نیز موسیقی کف دریا چنان دلکش می گردید که کوچک ماهی ها تحت تاثیر نواهای خوش آن، پیشاپیش رامشگران، مسحور در عالمی رویائی و غرق در خیالات خوش، سیل آسا به حلقوم کوسه ماهی ها فرو می رفتند. اگر کوسه ماهی ها انسان می بودند، آنوقت در کف دریا مذهب هم به وجود می آمد. این مذهب می آموخت که کوچک ماهی ها زندگی واقعی را تازه در شکم کوسه ماهی ها آغاز می کنند. ناگفته نماند، اگر کوسه ماهی ها انسان می بودند، برابری کنونی میان کوچک ماهی ها از میان می رفت. بعضی از آنها صاحب مناصبی می گشتند و فوق دیگران قرار می گرفتند. آنهائیکه کمی مهمتر بودند حتی اجازه می یافتند، کوچکترها را ببلعند. کوسه ماهی ها از این امر راضی بودند، چون لقمه چربتر نصیب خود آنها می شد. و کوچک ماهی های بزرگتر که صاحب مقام بودند، حافظ نظم بین کوچک ماهی ها می شدند و سعی می کردند آموزگار، افسر، مهندس در ساختن اتاقک و غیره گردند. خلاصه اگر کوسه ها انسان... ادامه در صفحه ۷

اگر کوسه ماهی ها ...

می‌شدند، تازه تمدنی در اعماق دریا به وجود می‌آمد.

رفسنجانی بر دریائی از خون حکومت کرد، غارت کرد، یک دودمان مافیائی برافراشت و در تمام تصمیمگیریها خانمان برانداز در مورد تحولات، رویدادها ایران دست داشت. وی تمدنی در اعماق تاریخ ایجاد کرد. "آیت‌الله کوسه" و "اکبرشاه" دو لقب برازنده وی در این دوران بودند. وی نه تنها به کوچک‌ماهی‌ها رحم نکرد در خدث منافع مافیائی‌اش حتی با بزرگ‌ماهی‌ها و کوسه‌های کوچک و بزرگ دیگر در افتاد حتی از کشتن احمد خمینی نیز دریغ نکرد. وی برای کوچک‌ماهی‌ها حتی دانشگاه آزاد آفرید تا بیاموزند چگونه در حلقوم کوسه‌ماهی بزرگ غوطه‌ور باشند. برای طبخ خوشمزه کوچک- ماهی‌ها، جشن تعزیه و علم و کُتُل به را انداخت، نوحه‌سرایی را باب کرد تا کوچک‌ماهی‌ها مسحور از این همه الحان و رویاهای الهی، سر از پا نشناخته به کام کوسه‌ماهی روند و مذهب وی را به رسمیت بشناسند. وی در سیمای جمهوری اسلامی توسط پسرش، ابزار شستشوی مغزی و ریاکاری را فراهم آورد. و با دشمنی با محمد خاتمی و قتل‌های زنجیره‌ای را آغاز کرد تا بیکباره یار خاتمی و حسین موسوی شد و آنها را در آغوش گرفت و بوسید. وی در حمایت از کشتار و تجاوز به دختران و ناموس مردم داد سخن می‌داد و هرگز به این اعمال وحشیانه در زندانهای اوین و کهریزک، تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام اعتراضی نکرد، ولی

دخترش را به عنوان زن "آزاده" برای فریب زنان به میدان می‌فرستاد تا دوجرخه سواری کند و آنرا سمبل آزادی زن جا بزند. این کوسه تبهکار و مارمولک آن چنان مغز عده‌ای را خورد که مشتی اصلاح طلب کور که در پشت سر کوسه بزرگ نماز می‌گذارند به تشییع جنازه‌اش رفتند و هنرمندان منحرف و نان به نرخ روز خور نیز با پلاکادهای "رفسنجانی ما را تنها نگذاشتی ما هم ترا تنها نمی‌گذاریم" به سینه زنی برای وی پرداختند و از این شاهکارشان نیز احساس شرم نکردند. برگ آخری که این عده بازی می‌کنند این است که از یک تبهکار تحت پیگرد جهانی یک "قهرمان ملی" بسازند که گویا وی را که نماد "آزادی و دموکراسی و مجری تحقق حقوق بشر" در ایران بوده است، در خزینه خفه کرده‌اند. رفسنجانی به قدری در خفه کردن دیگران تجربه داشت که ممکن نبود کسی بتواند وی را خفه کند. نگرانی از خفه کردن وی افشاء جمهوری اسلامی نیست، افشاء جمهوری اسلامی این است که چرا این کوسه‌ها را قبل از مرگشان محاکمه نمی‌کند و به سزای اعمالشان نمی‌رساند. در این شلوغی و مردمخوری، هواداران و جاسوسان اسرائیل و آمریکا نیز فعال شدند و در تشییع جنازه رفسنجانی با شعار مرگ بر روسیه و تقاضای اشغال سفارت روسیه به میدان آمدند. این عده همان جاسوسانی هستند که در زمان جرج بوش و سپس اوباما خواهان تجاوز به ایران و نابودی ملت ایران بودند و در نفس خود شعار می‌دادند: "نه غزه، نه سوریه، نه لبنان حمله کنید به

ایران". رفسنجانی مرد، جاسوسها نیز می‌میرند، ولی ایران زنده می‌ماند.

سیاسگزاری از کمکهای مالی

رفیق ح از استکھلم ۵۰۰ کرون
کمک مالی و اشتراک نشریات توفان ۵۰۰ کرون/
گوتنبرگ سوئد
کمک مالی به حزب کار ایران (توفان) ۱۰۰۰ کرون سوئد
به یاد رفیق قدرت فاضلی ۱۰۰۰ کرون سوئد
به یاد رفقا حسن و منصور مختاری ۱۰۰۰ کرون سوئد
به یاد رفیق بهمنی ۱۰۰۰ کرون سوئد
به یاد رفیق بابا پور سعادت ۱۰۰۰ کرون سوئد
از آلمان ۵۰ یورو
از جنوب آلمان ۵۰ یورو

به توفان در تلگرام خوش آمدید**(مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۵ منتشر شد)****آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)**

مسبب ومسئول اصلی فاجعه پلاسکو جمهوری اسلامیست؟-

تظاهرات های شکوهمند اعتراضی علیه دونالد ترامپ در سراسر آمریکا- گزارشی از ایران (بخش دوم نخست)-

علل بروز انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ و درسهایی از آن؟-

هاشمی رفسنجانی، یکی از معماران حکومت چرک و خون اسلامی درگذشت؟- به یاری زندانیان سیاسی بشتابیم و فریادشان باشیم؟- به استقبال صد سالگی انقلاب سوسیالیستی اکبر برویم؟- سخنی درمورد یتیم شدن اصلاح طلبان پس از مرگ هاشمی

رفسنجانی؟- کارگران بتدریج یا ناگهانی در آتش سرمایه جزغاله میشوند!؟- اسرائیل همچنان به نابودی و غصب

مزارع فلسطینی ها ادامه میدهد؟- در پاسخ به پرسشی در فیسبوک: روسیه سرمایه داری است یا امپریالیستی؟؟-

آسیای وحشی و غرب متمدن (بخش سوم)

گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به چند پرسش؟- پرسش و پاسخ در کانال تلگرام

توفان الکترونیکی شماره ۱۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۵ فوریه ۲۰۱۷

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توییتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

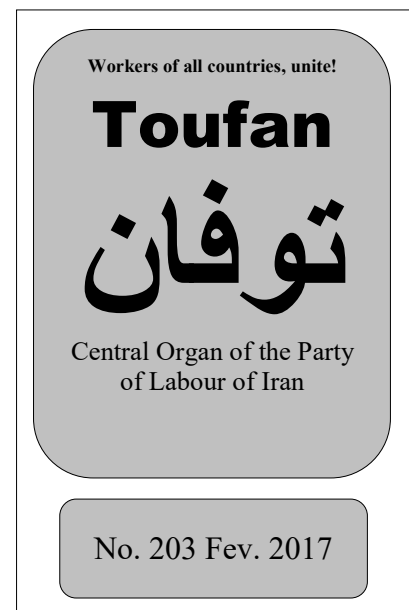
از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

رفسنجانی یکی از مهره‌های مهم ضد انقلاب حاکم در ایران بود

علی اکبر هاشمی رفسنجانی یکی از ارکان بنای جمهوری اسلامی و یکی از مهره‌های مهم ضد انقلاب حاکم در ایران در اثر ایست قلبی درگذشت. قلب مملو از بیرحمی و آکنده از ریاکاری و خباثت وی سرانجام از حرکت بازماند. نام رفسنجانی که با سرکوب، دشنامگویی و تهدید مخالفان همراه است، به ویژه زمانی بر سر زبانها افتاد که در ۴ خرداد ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی از چنگ ابلیس گریخت و بالای جان مردم شد. وی هنوز جراحتش درمان نشده در یک نطق تحریک آمیز و سراپا دروغ، کمونیست‌ها را مسئول سوء قصد به جان خود معرفی کرد و متعصبان مذهبی را با زبان بی‌زبانی به کشتار کمونیست‌ها ترغیب نمود. تنها بعد از اینکه روزنامه آیندگان مطالبی در مورد گروه فرقان نوشت و اشاره کرد به اینکه مسئولان سوء قصد به جان رفسنجانی مسلمانان بوده‌اند و نه کمونیست‌ها، دسیسه‌ای که می‌رفت با رهبری رفسنجانی به انجام برسد و در فضای ترور و تهدید، جوی خون به راه بیفتد، در هم شکست. بهترین لقبی که شایسته این موجود مزور و ریاکار است، همان "مارمولک" می باشد. وی سر مارمولک جمهوری اسلامی بود. وی تلاش کرد در دوران زندگیش مشتی میرزابنویس را به نگارش تاریخهای جعلی در مورد زندگی خودش و مبارزاتش بگمارد تا وی را امیرکبیر ایران معرفی نمایند. تاریخی که رفسنجانی نوشته است ارزشش در جعل تاریخ است و نشان می‌دهد که چگونه نباید تاریخ نوشت. رفسنجانی که نماینده چرک و خون در جمهوری اسلامی بود به این نوع آرایش چهره زشت خویش نیاز داشت. مردم ایران به شدت از این همه ریاکاری وی در شگفت بودند و نسبت به وی نفرت داشتند. القابی نظیر "آیت‌الله کوسه" که مردم به وی داده بودند و وی را با کوسه‌های خونخوار اقیانوسها قیاس می‌کردند و یا "اکبر شاه" که منظور مردم این بود که وی جای محمد رضا شاه را گرفته است و اگر آن یکی تنها شاه بود، ولی این یکی شاه اکبر است که کنایه‌ای نیز به نام کوچک وی بود، این کنایه در واقع توصیف ماهیت این مارمولک و گویای شناخت عمیق مردم از وی بود.

وی در حالیکه از اشغال سفارت آمریکا حمایت می‌کرد تا ابتکار عمل مبارزه ضد امپریالیستی را از دست کمونیست‌ها به در آورد در پشت پرده با نماینده آمریکا مک فارلین کتاب مقدس رد و بدل می‌کرد و به سازش و مذاکره مشغول بود. هاشمی رفسنجانی یکی از طراحان "انقلاب فرهنگی اسلامی"، بستن دانشگاهها و سرکوب دانشجویان ایران بود. وی بعنوان یار امام جنایت کارش گام به گام با بسیج نیروهای شبه فاشیستی حزب‌الله و سپاه و بسیج، دست آوردهای دموکراتیک انقلاب بهمن ۵۷ را از بین برد و فضای اختناق سیاسی ایران با کودتای ننگین سی خرداد ۶۰ را به اوج خود رسانید. هاشمی رفسنجانی از آمران کشتار کمونیست‌ها، انقلابیون و نیروهای ترقی خواه دهه شصت و از طراحان اصلی کشتار سراسری زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور ۱۳۶۷ بود.

علی اکبر ناطق نوری رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی در گفت و گویی با کیهان تهران، در فروردین ۱۳۸۰ علل مختلف رویداد دوم خرداد، شکست خود و انتخاب پیروزمندانه محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور (بخوانید نامزد "نخودی" ریاست جمهوری-توفان) را از جمله دفاع سینه چاک خودش از دولت هاشمی رفسنجانی اعلام کرد. برای اینکه اوج نفرتی را که مردم ایران نسبت به ... ادامه در صفحه ۶



اگر کوسه‌ماهی‌ها آدم می‌بودند توصیف برتولت برشت از علی اکبر هاشمی رفسنجانی ملقب به کوسه‌ماهی

مشتی "کوچک‌ماهی" در ایران بر مرگ "اکبر شاه" گریستند و خود را بی‌پدر احساس کردند. آنها از اینکه دیگر نمی‌توانند شادمانه در حلقوم کوسه‌ماهی غوطه‌ور شوند سرگردانند. آنها از ترس عالیجناب خاکستری دست به دامن عالیجناب سرخپوش شده بودند و برهمه گناهان غیر قابل توصیف و تبه‌کارانه وی قلم عفو کشیدند. آنها دست به دامن جنازه کوسه‌ماهی شدند و از مرده طلب نجات کردند به جای آنکه به نیروی مردم تکیه کنند. این کوچک‌ماهی‌های مرده پرست و فریب خورده و سرگردان از بزرگترین زندانیان ایران در بعد از انقلاب، آزادی موسوی- کروی یاران خود این کوسه‌ماهی را طلب کردند. این فراموشکاران بر جنازه "اکبر شاه" نماز میت گذاردند به جای آنکه جنازه اقتصاد ... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پسی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany